

فعلا قاب را کلوز ببندید



زهرا طبیبی خبرنگار گروه نقد روز

لايه‌لای اخبار گمانه‌زنی درباره کابینه دولت چهاردهم در آستانه تنفیذ رئیس‌جمهور و در آستانه برگزاری المپیک در پاریس و درحالی‌که رسانه‌های فلسطینی و حامیان غزه تلاش می‌کنند میدان المپیک را به کارزاری برای یادآوری جنایات صهیونیست‌ها تبدیل کنند، روز پنجشنبه جمعیتی در حمایت از حجاب در ورزشگاه آزادی جمع شدند که البته تصاویر آن در میان اخبار و رویدادهای مهم کشور و جهان چندان مورد توجه قرار نگرفت. اما سوال اصلی این است که با توجه به رویدادهای مهم داخل کشور، برگزاری چنین اجتماعی به چه منظور و با چه هدفی برگزار شده است؟

جای خالی یک کار فرهنگی

حجاب و مساله پوشش بیش از اینکه یک قانون باشد، ابعاد فرهنگی وسیعی دارد. سوار شدن روی این موضوع و تلاش برای کشاندن جامعه به یک دوقطبی در مساله حجاب، کارویژه رسانه‌های فارسی‌زبان در سال‌های اخیر بود که نقطه اوج آن در ماجرای نازاری پاییز ۱۴۰۱ خود را نشان داد. نکته مهم این است که در تمام این مدت فقدان یک کار فرهنگی عمیق و موثر در موضوع حجاب در فضای جامعه احساس می‌شد و برخورد قه‌ری و قانونی با این موضوع بیش از ابعاد فرهنگی آن خود را نشان می‌داد. این برخورد قه‌ری همچنان به رویه فرهنگی ماجرای حجاب می‌چرید، با این حال در چندسال اخیر برگزاری تجمع‌ها و اجتماعات به بهانه حمایت از حجاب و ترویج آن در مناسبت‌های مختلف برگزار شده است.

کار فرهنگی یا نمایش رسانه‌ای؟

اجتماع روز پنجشنبه در ورزشگاه آزادی را می‌شود به نوعی در چهارچوب یک کار فرهنگی قرار داد که البته برگزاری آن در برهه‌ای از زمان، مورد استقبال بدنه حزب‌اللهی قرار می‌گرفت. در برگزاری این اجتماع، تأثیرات رسانه‌ای آن پیش از تأثیرات فرهنگی آن مورد توجه بود. حضور جمعیت زیادی از بدنه ایدئولوژیک از ادعای اقلیت‌نمایی این طیف جلوگیری می‌کرد و به شکلی مواجهه با اقدامات رسانه‌های فارسی‌زبان هم تلقی می‌شد اما برگزاری همین تجمع در روز پنجشنبه سواتی را به وجود می‌آورد. نکته اول اینکه برگزاری این اجتماع در روزهای ابتدایی مرداد ماه و آن‌هم درحالی‌که حتی ادارات به خاطر گرما به حالت نیمه‌تعطیل درآمده و بالارفتن دمای هوا به حد نگران‌کننده‌ای رسیده که حتی بازی‌های فوتبال هم لغو شدند، ایده برگزاری این اجتماع در فضای آزاد ورزشگاه، با چه منظوری صورت گرفته است؟ بهتر بود با در نظر گرفتن شرایط، اجماع در فضای سرپوشیده با تهویه مناسب برگزار می‌شد که خطری متوجه افراد حاضر در تجمع نباشد. علاوه بر این، زمان برگزاری این اجتماع نیز محل سوال است. در شرایطی که فضای سیاسی کشور هنوز از انتخابات و رویدادهای رقابتی آن فاصله نگرفته و انتقادات درون جبهه انقلابی به کنش آنها در فضای انتخابات که منجر به حذف شان شد ادامه دارد، برگزاری این تجمع قرار است چه کارکرد فرهنگی و رسانه‌ای داشته باشد؟ اساسا موضوعیت آن در شرایط فعلی کشور چیست؟ در یکی دو سال گذشته حجاب و مساله پوشش تبدیل به دغدغه اصلی شد که البته هنوز هم موضوعیت دارد، اما اهمیت این ماجرا بعد از وقوع نازاری‌های پاییز ۱۴۰۰ دوچندان شده است. در چنان شرایطی برگزاری فستیوال‌هایی اینچنینی می‌توانست به صورت مسکن مقطعی عمل کند و تصویر ادعای اقلیت بودن این

بخش از جامعه را مخدوش کند. برگزاری مانورهای اینچنینی در مقطعی می‌توانست تأثیر مثبت بگذارد، اگرچه همان زمان نیز انتقاداتی به آن وارد شد اما محدود ماندن به برگزاری یک تجمع در یک ورزشگاه، آن‌هم بدون در نظر گرفتن شرایط برای افزایش تأثیر آن در جامعه، منجر می‌شود به اینکه همین تجمعات نیز اثر خود را از دست بدهند و حتی می‌تواند به ضد خود هم تبدیل شود و انتقاداتی را حتی در بدنه حزب‌اللهی به وجود بیاورد.

به اثر اجتماعی تجمعات هم توجه کنید

مؤلفه اصلی در ادامه یک مسیر، روش یا سیاستگذاری، مؤثر بودن آن است. امری که در اقدامات کوچک و بزرگ فرهنگی هم مورد توجه قرار دارد. در برگزاری این اجتماعات نیز می‌بایست این نکته مورد توجه قرار گیرد که برای برگزاری این اجتماعات به دنبال چه بازخوردی از جامعه هستیم، اثرات برگزاری آن می‌بایست چه باشد و اساسا هدف‌گذاری و انتظار از برگزاری این اجتماعات چیست؟ در نگاهی به اجتماعاتی که در یکی دو سال اخیر برگزار شده، این سوال جواب قانع‌کننده‌ای ندارد. برای مثال بعد از برگزاری اجتماع حجاب در تیرماه ۱۴۰۰، اثر اجتماعی و حتی فرهنگی آن حتی در میان بدنه ایدئولوژیک چه بود؟ به جز کارکرد رسانه‌ای آن هم صرفا در مقطعی، آیا اثر مثبت یا منفی در فضای جامعه به همراه داشته است؟ جدای از اینکه اساسا می‌شود نام این اقدامات را کار فرهنگی گذاشت یا صرفا رسانه‌ای، اما برگزاری این تجمعات با هر محوریتی که صورت گیرد می‌بایست اثرگذار باشد و بازخوردی در جامعه به همراه داشته باشد، در غیر این صورت اصلا برگزاری یا عدم برگزاری آن موضوعیت چندانی نخواهد داشت.

اصول اولیه برگزاری یک تجمع پرجمعیت را رعایت کنید

با این همه به نظر می‌رسد بی‌توجهی به عوامل و مؤلفه‌های اولیه لازم



برای برگزاری یک اجتماع، باعث شد تجمع در ورزشگاه آزادی بازخورد چندان مثبتی حتی در بدنه ایدئولوژیک نداشته باشد و انتقاداتی را متوجه برگزارکنندگان این اجتماع کند. یکی از علل آن را می‌توان در برگزاری تجمع در زمان و شرایط آب‌وهوایی نامناسب در ورزشگاه آزادی جست‌وجو کرد. شاید به همین خاطر بود که جمعیت قابل توجهی نیز در ورزشگاه حاضر نشدند. نمی‌شد خالی بودن بخش‌هایی از ورزشگاه را از دید دوربین‌ها پنهان کرد. امری که می‌تواند باعث شود این اجتماع به ضد خودش تبدیل شود و فضایی را در اختیار رسانه‌های فارسی‌زبان قرار دهد که با تکیه بر جمعیت حاضر در ورزشگاه این تصویر را به کل جامعه تعمیم دهند و همچنان روی اقلیت‌نمایی بدنه ایدئولوژیک جامعه تأکید کنند. نکته مهم این است که اگر در برگزاری این اجتماعات نمایش جمعیت مورد توجه قرار دارد، می‌بایست دقت کرد برگزاری تجمع در زمان، مکان و شرایط زمانی برگزار شود که مورد استقبال قرار گیرد. در صورتی که تجمع روز پنجشنبه در شرایطی برگزار شد که نه تنها طیف زیادی از مردم، بلکه بخش زیادی از بدنه ایدئولوژیک نیز از برگزاری این تجمع اطلاع نداشتند.

کار فرهنگی فقط تجمع برگزار کردن نیست

اگر از زمان بروز نازاری‌ها در پاییز ۱۴۰۰ نگاهی به آنچه در فضای فرهنگی در مقوله حجاب انجام شد بیندازیم، به جز تصویب طرح عفاف و حجاب در مجلس، برگزاری تجمعات تقریبا تنها اقدام چشمگیری است که می‌شود در حوزه فرهنگی از آن نام برد. محدود ماندن اقدام فرهنگی و تعریف آن صرفا در حد برگزاری یک تجمع نمی‌تواند اثر تأثیرگذاری داشته باشد. تجمعات در مناسبت‌ها و در موضوعاتی می‌تواند اثرگذار باشد و حتی احساس مثبتی را به جامعه منتقل کند اما در بلندمدت تنها تکیه

به برگزاری تجمع و اکتفا به آن، موضوعیت خود را از دست می‌دهد و بیشتر از آنکه کارکرد فرهنگی داشته باشد، اثر رسانه‌ای مقطعی دارد. براین اساس نکته مهم این است که اگر قرار است برای کنش موثر در مقوله حجاب فکری شود، بهتر است تصمیم‌گیری‌ها صرفا به برگزاری تجمعات محدود نماند.

نمایش مقبولیت یا تلاش برای حفظ سرمایه اجتماعی؟

سرمایه اجتماعی برای یک جامعه در مناسبت‌های مختلفی مثل سالگرد پیروزی انقلاب می‌تواند اثر بلندمدتی در جامعه به همراه داشته باشد و مقبولیت آن را به تصویر بکشد اما برگزاری تجمعات و به خیابان آمدن مردم با مناسبت‌های مختلف در چند سال اخیر تبدیل به اتفاق پرتکراری شده که تلاش می‌شود از طریق آن میزان مقبولیت به تصویر کشیده شود. جمعیت حاضر در این تجمعات نیز عموما بدنه ایدئولوژیک جامعه هستند. موضوعی که شاید در علل برگزاری آن مورد توجه باشد، نمایش مدام و پرتکرار مقبولیت با به خیابان آمدن بدنه حامی حکمرانی باشد.

امرّی که تا حد کنترل شده و به اندازه آن، مطلوب است اما اگر تبدیل به امر پرتکراری شود و این بدنه حامی در هرمناسبت صرفا برای به نمایش گذاشتن سرمایه اجتماعی به خیابان بیاید، می‌تواند اثر منفی هم داشته و انتقاد بدنه ایدئولوژیک را نیز به همراه داشته باشد که صرفا تبدیل به وسیله‌ای برای نمایش رسانه‌ای شده است و این گمان را ایجاد کند که نوعی سوءاستفاده از جمعیت حامی برای نمایش مقبولیت صورت می‌گیرد و اثر دیگری ندارد و ممکن است حتی این بدنه را نیز مایوس کند.

«فرهیختگان» رفتار سفارت بریتانیا در حوزه دیپلماسی عمومی را به بهانه پایان کار شرکلیف بررسی کرد

بوی کباب به حیاط سفارت رسید



علی مزرعوی خبرنگار گروه نقد روز

پرحاشیه‌ترین سفارتخانه حاضر در تهران طی ویدئویی از پایان ماموریت سایمون شرکلیف، سفیر فعلی بریتانیا در ایران خبر داد. این خبر می‌تواند بهانه خوبی برای بررسی رویکرد سفارتخانه بریتانیا در قبال مسائل مرتبط با ایران در زمان تصدی این سفارتخانه توسط شرکلیف باشد. ساکنان ادوار سفارتخانه‌های بریتانیا در تهران، دیپلماسی عمومی و ارتباط با افکار عمومی جامعه ایران را همواره در صدر دستورکار فعالیت خود قرار داده بودند. این مورد درباره شرکلیف که تسلط نسبی نیز به زبان فارسی داشت بیشتر از بقیه نمود پیدا کرد.

سفیر مجازی

سایمون شرکلیف برای ارتباط گرفتن با مخاطبان ایران و ساختن تصویری متفاوت با سیاست‌های عملی و ضد ایرانی این کشور با ابزار شبکه‌های اجتماعی وارد عمل شده است. شرکلیف در مورد موضوعات مختلف ویدئوهایی را با زبان فارسی روایتگری کرده است. ویدئوهایی در مورد شب پلدا، سفیر نوروژ و پختن کباب بیش از همه در بین کاربران ایرانی دست به دست شد. شرکلیف در پایان ماموریت خود نیز همین شیوه را انتخاب کرده و در ویدئویی ضمن معرفی قسمت‌های مختلف سفارت بریتانیا اعلام می‌کند که کارش در تهران پایان یافته است. او علاوه بر اینستاگرام در توئیتر نیز نقش فعال و البته سیاسی‌تری را در قبال مسائل ایران ایفا کرده تا جای پای سلف خود را برت میک‌آر گذاشته باشد است. در پی ماجرای‌های سال ۱۴۰۱ شرکلیف در توئیته به دستگیری افرادی که آنها را خبرنگار می‌خواند، معترض می‌شود. او در تویت دیگری تصویری از مراسمی منتشر می‌کند که با حضور سفرای چندین کشور دیگر در سفارت بریتانیا برگزار شده و در توضیح مراسم می‌نویسد: «گرامیداشت روز جهانی آزادی مطبوعات.» او در ایامی که ماجرای مسمومیت‌های سریالی در مدارس فضای رسانه‌ای را در بر گرفته بود نیز یکبار نامنده و با به کار بردن عبارت «مسمویت‌های سریالی که تمامی ندارد» با پدران ایرانی همدردی می‌کند. رفتار رسانه‌ای شرکلیف را می‌توان مدل نرم‌تری از کنش‌های سفیر پیشین بریتانیا در ایران توصیف کرد. رابرت مک‌ایر که به زبان فارسی نیز مسلط بود

تلاش مداومی در طرح اظهاراتی ضد ایرانی داشت. او در تیرماه سال ۹۹ با اعتراض به مجازات اعدام، مدعی تعهد انگلیس به حمایت از حقوق بشر شد. ادعایی که بسوابق سیاسی از استعمار که تبعاتی چون قحطی به سابقه در ایران را در پی داشته کاملا در تناقض است. مک‌ایر در اوج رفتار سیاسی ضد ایرانی خود در تجمعی در مقابل دانشگاه امیرکبیر حاضر شد که به بهانه یادبود حادثه هواپیمای اوکراینی بر گزار می‌شد. در این تجمع که شعارهایی علیه ایران نیز سر داده می‌شد مک‌ایر توسط رسانه‌های همراش درحال فیلمبرداری از ماجرا بوده‌اند که دستگیری شده و بعد از مدتی نیز آزاد می‌شوند.

دیوار را پاک کردید تاریخ را چه طور؟

در انتخابات ۱۴۰۱ ایران، همچون همه شلوغی‌هایی که در چند سال گذشته دیده می‌شود، نقش تبلیغاتی انگلیس و رسانه‌های معاند ساکن در لندن پررنگ است. سیداسماعیل خلیف، وزیر اطلاعات ایران این نقش را در مورد ماجرای ۱۴۰۱ این‌گونه توصیف می‌کند: «در ساماندهی تبلیغات دست رویه انگلیسی واضح تر بود.» این امر زمانی که با تلاش‌های رسانه‌ای سفیر بریتانیا در حمایت از آشوب‌ها همراه شد این انگیزه را به بخشی از جامعه تزریق کرد که اعتراض‌شان به اقدامات بریتانیا را با شعارنویسی روی دیوار سفارت نشان دهند. سفیر بریتانیا از این اتفاق که خود علت اصلی آن بوده نیز استفاده تبلیغاتی حداکثری را برده و تصاویری از خودش حین پاک کردن شعارها و رنگ‌آمیزی دیوار سفارت منتشر کرد. این اقدام نیز بر شدت حساسیت‌ها نسبت به رفتارهای سفارت بریتانیا افزوده و باعث شد تا شعارنویسی تکرار شود. شرکلیف به این اتفاقات نیز در ویدئوی پایان کار خود اشاره کرد و با یادآوری نظارت‌ها مقابل سفارت بریتانیا و شعارنویسی‌ها از آن به عنوان بالا و پایین‌های دوران کاری خود یاد می‌کند.

بازسازی کنفرانس تهران به نفع آقای سفیر نشد

یکی از جنجال‌برانگیزترین اقدامات شرکلیف در تهران، بازسازی تصویر کنفرانس تهران توسط او و لوان جاگاریان، سفیر سابق روسیه در ایران بود. در تصویری که در سفارت روسیه گرفته شده بود و او جاگاریان دقیقا در همان مکانی نشسته بودند که سال ۱۳۲۲ روزولت رئیس‌جمهور آمریکا، چرچیل نخست‌وزیر بریتانیا و استالین رهبر وقت شوروی حین برگزاری کنفرانس تهران و برنامه‌ریزی برای آینده جهان پساجنگ، عکس یادگاری‌شان را در آن

گرفته بودند. شرکلیف و جاگاریان با گذاشتن یک صندلی خالی که نمایانگر جای خالی سفیر آمریکا در ایران بود سعی داشتند تصویر پیروزمندانه خود در کنفرانس تهران را بازسازی کنند؛ کنفرانسی که در آن دولت ایران حتی به قدر اطلاع از برگزاری به رسمیت شناخته نشده بود. همین امر نیز باعث شده است تا در بین افکار عمومی ایران کنفرانس تهران به عنوان اقدامی توهم‌آمیز به حاکمیت ملی کشور تلقی شود. بازسازی این تصویر توسط شرکلیف و جاگاریان بار دیگر خاطرات تلخ دوران قحطی و استعمار را در جامعه زنده کرد؛ امری که حتما بر خلاف رویکرد دستگاه سیاست خارجی بریتانیا در حوزه دیپلماسی عمومی بوده و اثر ویدئوهای غیررسمی شرکلیف را نیز خنثی می‌کرد. به همین دلیل نیز سفیر بریتانیا در ویدئوی پایان کارش گریزی به این اقدام جنجال‌برانگیز خود زده و سعی دارد تا آن را این‌گونه توجیه کند: «درمورد این کنفرانس خیلی سوء برداشت پیش آمد، علاوه بر هدف کنفرانس این سه کشور توافق کردند که از تمامیت ارضی و پیشرفت ایران حمایت و حفاظت کنند، ولی خیلی‌ها آن را فراموش کردند.» شرکلیف درحالی‌دفاع از تمامیت ارضی ایران را یکی از اهداف کنفرانس خوانده و سعی در مشروعیت‌بخشی به آن دارد که ۱۵ سال بعد از این بیانیه دولت متبوعش نقش اول را در جدایی بحرین از ایران ایفا می‌کند تا به این ترتیب صیانت از تمامیت ارضی ایران آن هم برای دولتی که مهم‌ترین نقش در جدا شدن افغانستان از ایران را داشته است ادعای گزافی بیش نباشد.

شب پلدا را باور کنیم یا روز بلوا

موضوع‌گیری علیه برنامه هسته‌ای ایران در بین مقامات غربی به قدری شمولیت پیدا کرده که شرکلیف نیز امتیاز آن را از دست نداده و در توئیته می‌نویسد: «یک بار دیگر، همان سوالی که ما در طول ۳۰ سال گذشته همیشه پرسیده‌ایم؛ چرا برای جمهوری اسلامی اینقدر سخت است تا با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کامل داشته باشد؟» شرکلیف درحالی‌چنین اعتراضی را مطرح می‌کند که ایران در بین همه کشورهای پیوسته به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بیشترین میزان نظارت از تأسیسات هسته‌اش انجام شده است. کشورهای غربی اما با استناد به ادعاهای رژیم صهیونیستی خرواهان نظارت بیشتری بر برنامه هسته‌ای ایران هستند، درحالی‌که از رژیم صهیونیستی به عنوان دولتی که حتی معاهده (NPT) را نپذیرفته و دازنده سلاح هسته‌ای نیز محسوب می‌شود چنین مطالبه‌ای ندارند.

دیپلماسی عمومی یا عملیات روانی

کنش‌های مشابه سفیران بریتانیا در فضای رسانه‌ای و تلاش برای تأثیر بر افکار عمومی جامعه ایران اثبات می‌کند که نباید این راهبردها را صرفا در چهارچوب رفتار سیاسی سفرا ازین‌جا برد، بلکه این اقدامات حاصل یک برنامه راهبردی جامع‌تر در وزارت خارجه بریتانیا برای تأثیرگذاری بر جامعه ایران است. سفارت بریتانیا در تهران در دوران‌های مختلف فعالیت‌هایی را در قالب دیپلماسی عمومی در پیش گرفته که می‌توانند اثرات روانی و سیاسی قابل توجهی بر افکار عمومی و تصمیم‌گیری‌های داخلی ایران داشته باشند. این فعالیت‌ها، اگرچه به‌طور رسمی به عنوان دیپلماسی عمومی و روابط خارجی شناخته می‌شوند، اما می‌توانند به‌طور غیرمستقیم تأثیرات روانی و سیاسی بر افکار عمومی و وضعیت داخلی ایران داشته باشند.

- فعالیت در شبکه‌های اجتماعی:** سفارت بریتانیا ممکن است از شبکه‌های اجتماعی برای برقراری ارتباط مستقیم با ایرانیان استفاده کند و اطلاعات و تحلیل‌هایی را منتشر کند که می‌تواند به تغییر نگرش‌ها و افزایش آگاهی عمومی در خصوص مسائل مختلف کمک کند.
- برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارها:** سفارت ممکن است کنفرانس‌ها و سمینارهایی با حضور فعالان سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای برگزار کند. این رویدادها به تبادل نظر و ارائه دیدگاه‌های بریتانیا درباره مسائل مختلف پرداخته می‌تواند به انتشار دیدگاه‌های خاصی در رسانه‌ها و فضای عمومی ایران منجر شوند.
- حمایت از رسانه‌های فارسی‌زبان:** سفارت بریتانیا ممکن است به‌طور غیرمستقیم از رسانه‌های فارسی‌زبان و دیگر رسانه‌های مستقل حمایت کند. این رسانه‌ها می‌توانند به انتشار اخبار و تحلیل‌هایی بپردازند که به نقد سیاست‌های داخلی ایران و نقد فعالیت‌های دولتی می‌پردازند.
- برنامه‌های آموزشی:** برنامه‌های آموزشی و تبادل فرهنگی که غالبا با شعار تقویت ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشری توسط سفارت برگزار می‌شود، ابزاری است که بعضا برای نقد نهاد‌های حکمرانی در ایران به کار گرفته می‌شود.
- واکنش به بحران‌های اجتماعی:** در مواقع بحران یا حوادث خاص، مانند اعتراضات خیابانی یا حوادث سیاسی، سفیران بریتانیا ممکن است با انتشار موضعی به‌طور خاص به تأثیرگذاری بر افکار عمومی بپردازند. به این امید که تصمیم‌گیری‌های داخلی را تحت تأثیر قرار دهند.

